

دین و بحران هویت جوانان

<?xml encoding="UTF-8?>

مقدمه

موضوع سخن دین و بحران هویت جوانان است. بحران هویت از مقولات مهم در عصر جدید و مورد تاکید در دهه های اخیر در سراسر جهان است و در سطح جهان و کشورهای گوناگون با رویکردهای متفاوت مورد بحث و کاوش های فراوان قرار گرفته و مقالات متعددی در این باره به نگارش در آمده است. چالش بحران هویت هم بعد روان شناختی و فردی دارد و هم بعد اجتماعی و سیاسی. طبیعتاً همه فرهنگ هایی که با این چالش بزرگ دست بگریبانند، باید در صدد شناخت آن به صورت همه جانبه برآیند و در جامعه های دین دار علاوه بر آن پرسش از موضع دین در برابر این معضل روانی و اجتماعی نیز رخ می نماید. این گفتار می کوشد به اجمال و از منظر کلان به شناسایی و تلذیع آن و تبیین موقف دین در برابر آن بپردازد. تعاریف

هویت (1)

بازشناسی مفهوم هویت نیازمند عطف توجه به «شخصیت» است، شخصیت عبارت است از (2): مجموعه ای از خصوصیات مختلف فرد مانند ساختمان بدنی، خلق، رفتار، علایق، گرایش ها، توانایی ها و استعدادهای وی، و برآیند این مجموعه از ویژگی های آدمی. هویت در واقع، همان شخصیت است که مورد آگاهی درونی قرار گرفته است. احساس شخصیت را می توان هویت نامید. این نکته را باید مورد دقت قرار داد که شخصیت و هویت آدمی امری فراتر از شخصیت و هویت مکانیکی است، هویت آدمی وابسته به عناصر بی شماری است اما همه آن ها در پرتو نگاه و نگرش وی به خویشتن و جهان شکل می گیرد، تفسیری که فرد از خود و هستی تولید می کند سازنده هویت او خواهد بود.

از سوی دیگر، قوام هستی و شخصیت به معنی داری زندگی است، و معنی داری حیات و چگونگی آن در سایه نگاه، نگرش و تفسیر فرد از خود و هستی و اولویت گذاری های ارزشی شکل می یابد. با توجه به این تعریف، باید بر دو نکته تاکید کرد:

1- هویت امری عقلانی و عاطفی است و تفسیری است سنجیده و قانع کننده از شخصیت و ابعاد آن و هستی و معنای زندگی.

2- هویت از یکسو امری درونی است و از سوی دیگر وابسته عوامل فراوان بیرونی است که بر نگرش و تفسیر آدمی اثر می گذارد.

بحران (3) و هویت

سلامت شخصیت در گرو سازگاری آدمی با محیط اجتماعی پیرامون و رعایت نرم های اجتماعی و نیز تفسیر

متوازن و سازگار از خود، جامعه و ارزش هاست، هنگامی که در این فرایند خلی و کاستی و چالشی پدیدار شود، نابه هنجاری و اضطراب روانی نمودار خواهد شد، و آن گاه که این اختلال مضاعف شود و پیامدهای ویرانگری بیافریند، می توان آن را «بحران» نامید .

از این رو، هویت سالم و آرام در جایی معنی می یابد که شخص از نگرش یک دست و سنجیده ای از خویشتن و جهان بهره مند باشد و عناصر سازنده شخصیت وی از تلائم و سازگاری برخوردار باشند و برای خود زندگی معنی داری ساخته باشد .

در نقطه مقابل، هویت بحران زده هنگامی مصداق می یابد که تعارض و چالش جدی در نگرش فرد میان عناصر اثرگذار و سازنده شخصیت وی پدید آمده باشد، و فرد از ارائه تفسیر جامع از آن ها و پاسخ قانع کننده به معنی زندگی ناتوان باشد، و نیز آن گاه که فرد یا جامعه ای از تامین نیازهای ضروری خود و قدرت بر اشباع یا اقناع خود، عاجز باشد، با شخصیت و هویت بحران زده مواجه خواهد شد .

بیشتر بحران درونی و بیرونی در تعامل و تاثیر و تاثر متقابل قرار دارند . بحران های اقتصادی و اجتماعی می تواند نگرش فرد را از درون آسیب پذیر کند و بحران درونی تولید نماید و از سوی دیگر، ناسازگاری های درونی و بازماندگی عقلانی و عاطفی افراد و گروه ها می تواند بحران های اجتماعی بیافریند .

بحران های مادی و اقتصادی برای ملت ها در درجه دوم اهمیت قرار دارد . بحران های عقلانی، عاطفی و معنوی در عرصه روح آدمی بسیار خانمان سوزتر است . همه بحران های اجتماعی تا آن جا که شخصیت جامعه و مشروعیت نهادهای اجتماعی را آسیب زده و بحران زده نساخته است، چندان مهم نیست .

بحران هویت گاهی در حد فردی و شخصی می ماند و گاهی، میان افراد و گروه ها شیوع می یابد و به بحرانی عام و اجتماعی تبدیل می شود .

بنابراین، بحران هویت در یکی از شرایط و احوال زیر پدید می آید:

الف: آن گاه که فرد یا جامعه از تامین نیازهای بنیادی و اصیل خود باز بماند و راهی برای پاسخ گویی در نیابد .

ب: هنگامی که میان اجزاء و ابعادی از شخصیت و معیارها تعارض درگیرد و فرد یا جامعه از حل جامع و ایجاد وفاق میان آن ها یا ترجیح و اولویت گذاری ناتوان باشد .

ج: در هنگامه تحولات و تغییرات روحی و یا دگرگونی های اجتماعی انتظار ظهور بحران ها می رود، و از آن جا که در عصر جدید این تحولات در مقیاس وسیعی می افتد بحران های بیشتری نمایان می شود . همان طور که در سنین رشد و دوره نوجوانی شرایط بروز بحران های فکری و عاطفی فراهم تر است، به همین دلیل در جامعه های در حال گذر این امر به خوبی احساس می شود .

بنابراین، انواع بحران ها می تواند به بحران هویت تبدیل شود و این بدترین وضعیتی است که امکان دارد برای جامعه پدید آید .

انواع هویت

هویت از آن نظر که ساخته و پرداخته عوامل گوناگون است دارای تقسیم های متعددی است . در این جا به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

از یک نگاه، هویت به فردی و اجتماعی تقسیم می شود و هویت اجتماعی به صنفی، گروهی، قومی، ملی، منطقه ای و جهانی تقسیم می شود . با نگاهی دیگر هویت با محوریت مراحل رشد دارای انواعی از این گونه است:

کودکی، نوجوانی، جوانی، میان سالی و کهن سالی .
از جهت دیگر، لایه های هویت را در ابعاد و ساحت های وجود آدمی باید جست و جو کرد، مانند هویت اعتقادی، اخلاقی، عاطفی، رفتاری و مانند آن .
البته هویت کلی و مطلق برآیند و محصول تعامل مجموعه این ابعاد، لایه ها، دایره ها و اقسام است .

انواع بحران ها و بحران جوانی

در آغاز مناسب است بر این نکته تاکید کنیم که بحران ها از لحاظ سنی به دو دسته تقسیم می شود:
الف: بحران های عمومی که به سن و مرحله خاصی از رشد فرد ارتباط ندارد و ممکن است در هر مرحله ای - در سطح فردی یا در مقیاس اجتماعی - اتفاق افتد .

ب: بحران هایی که به مقاطع و دوره های خاصی از مراحل رشد آدمی اختصاص دارد، در این میان بحران های دوره جوانی از اهمیت بالاتری برخوردار است و در کتاب ها و پژوهش های روان شناسی محور بررسی های دامنه دار قرار گرفته است .

نکته ای که شایسته دقت است آن که بحران های نوع اول بروز غالب و حساس آن در دوره جوانی است . اصولاً به دلیل اهمیت مرحله جوانی و نقش مؤثر و آشکار جوانان و آگاهی و انرژی آنان بحران های فکری و ذهنی آنان به کل جامعه سرایت می کند و هم بحران های عمومی با شتاب زیاد در میان جوانان نمایان می شود . از این رو نسل جوان را در این زمینه باید مرکز توجه و عنایت قرار داد و نگاه ها را بدان معطوف کرد .

اینک به انواع گوناگون بحران ها می پردازیم . از نگاه کلان می توان بحران ها را به سه نوع عمده تقسیم کرد:

الف: بحران های انسانی؛

ب: بحران های انسان معاصر؛

ج: بحران های منطقه ای .

قسم اول بحران های انسان از آن جهت که انسان است با قطع نظر از زمان و مکان ممکن است با آن مواجه شود و همواره گریبان گیر آدمیان بوده است . نوع دوم بحران ها و چالش هایی که تمدن معاصر با آن روبه رو شده، به طور برجسته تری از اعصار کهن رخ نموده است . نوع سوم بحران هایی است که در مناطق گوناگون دنیا در چهره های متفاوت پدید می آید .

در این جا به ریشه ای ترین چالش ها، نگرانی ها و بحران های هویت از گونه نخست اشاره می کنیم .

بحران های انسانی

الف: بحران مرگ و فنا

این پرسش همواره ذهن آدمی را به خود مشغول داشته است که من جاودانه ام یا با مرگ در بیابان فنا و نیستی فرو می افتم؟

سردرگمی در جست و جوی پاسخ به این پرسش و تصور نابودی مطلق، اگر برای افراد بصیر به درستی به تصویر کشیده شود، مایه دلسردی، نومیدی و گونه ای از بحران هویت می تواند باشد .

ب: بحران پوچی و بی معنایی

سلامت و شادابی زندگی و به حنجاری هویت وابسته به معنی دار بودن زندگی و باور به فلسفه معقول زیست آدمی است، اما همواره این معنی یابی آسان به دست نمی آید و چه بسا در اثر نگاه مادی و آدمی از این بابت دستخوش بحران هویت می شود .

ج: تعارض اخلاق و سود

چنان چه کسی نتواند در درون خویش ناسازگاری آزار دهنده سود فردی و عمل اخلاقی را حل کند، انتظار می رود در چنبره و سیطره چالش ها و بحران های هویت قرار گیرد .
بر این ها می توان بحران مادیت و معنویت را افزود .

بحران های انسان معاصر

برخی از بحران های هویت نوپیدا و زاییده عصر و تمدن جدید است . اینک به شاخص ترین آن ها اشاره می شود:

1- سنت و تجدد

از چالش های بزرگ انسان معاصر تحیر میان سنت و تجدد است . تمدن نوین بسیاری از هنجارها و نگرش های دنیای پیشین را که جزو هویت آدمی محسوب می شده، به چالش کشیده و تعارض پاره ای از عناصر تمدن جدید و مدرنیته با معیارهای اعصار پیشین از یکسو در درون آدم ها بحران آفریده است و از سوی دیگر، میان بخش های گوناگون دنیا و کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه جدایی افکنده، منشا بروز بحران ها شده است .

یکی از مقولات عصر تجدد، گسترش تردید و نسبیت گرایی مطلق در معرفت شناسی و اخلاق است که تولید کننده نابه سامانی ها و بحران های درونی فراوانی است، و این همان مسیری است که علم و اخلاق آن را طی کرده است، عقلانیت الهی و ایمان دینی از پایه هایی است که تا حد زیادی می تواند این بحران را مهار سازد و آرامش و هویت سالمی را به نسل امروز ارزانی دارد .

2- سیطره ماشین و اقتضائات آن

از جمله بحران های زاییده عصر جدید، که هویت آدمیان را نیز بحران زده می سازد، پدیده فن آوری جدید و ماشین و اقتضائات روان شناختی و اجتماعی آن است، فن آوری و ماشین ضمن آن که پدیده ای سودمند به حال بشر بوده است، با این حال رشد و توسعه آن موجب نوعی خود بیگانگی انسان از خویش شدن و دور افتادن آدمی از طبیعت ناب و سیطره کمیت و حاکمیت روح خشونت شده است . البته همه این امور در هویت آدمی و به ویژه در روح جوان طوفان زا و بحران آفرین است .

3- عصر ارتباطات و جهانی شدن

شتاب تحولات زمانه و گسترش ارتباطات و انفجار اطلاعات در دهه های اخیر و نیز دگرگونی های عظیم در جغرافیای سیاسی، بر سرعت حرکت به سمت دهکده جهانی و جهانی سازی افزوده است، اما جهانی سازی دارای دو قرائت است، بنا بر یک قرائت - که متأسفانه تا حد زیادی هم رواج دارد و در شمال بیشتر متمدن نظر است - جهانی سازی یعنی برتری تمدن های خاص و اضمحلال هویت های دیگر در آن . البته این امر هم مولد بحران های اجتماعی و هم بحران هویت در میان نسل جدید در جنوب و حتی اروپا است و چاره مشکل ارائه، تقویت و تثبیت قرائت دوم از جهانی شدن است و آن عبارت است از قرائت متعادل و سنجیده ای از جهانی شدن که در آن

تمدن ها و فرهنگ ها پذیرفته شود و هویت ها و مقولات فرهنگی ملت ها نفی نشود و در صدد تحمیل معیارها و ارزش های واحد به صورت اجبار و یک جانبه بر نیایند .

باید بر این نکته تاکید کرد که شتاب تحولات این عصر و جهش به سمت وضعیت های نوین، هم وضعیت هویت شمال و به ویژه بخش اروپایی آن را متزلزل و بی ثبات می کند و هم هویت جنوب را دستخوش بحران می کند . باید توجه داشت که به دلیل پیوستگی اقلیم ها و مناسبات نزدیک فرهنگ ها با شتاب فزاینده، بحران های اجتماعی و شخصیتی و هویتی در هر گوشه ای از دنیا بالقوه می تواند بر همه جهان تاثیرات پایداری بر جای نهد، و اندیشه جزیره های از هم جدا، امروز نمی تواند مطلوب هیچ جامعه و فرهنگی باشد .

4- احساس عدم ثبات و امنیت

در نتیجه آنچه بدان اشاره شد اصولاً تمدن جدید ضمن دستاوردهای بسیار مثبت، زمینه را برای یک عصبيت فراگیر و احساس قرار گرفتن در پرتگاه جهانی فراهم آورده است، امری که مطمئناً نسل امروز را دچار بحران هویت و احساس تزلزل و عدم ثبات می کند . بی تردید راه حل معضل را در تلطیف روح بشر و ترویج فرهنگ معنوی باید جست و جو کرد .

در این میان مساله سلاح های کشتار جمعی، تروریسم و تخریب محیط زیست از جایگاه ویژه ای برخوردار است و چنان چه مواجهه ای آگاهانه و عادلانه و فراگیر و ژرف با آن ها به عمل نیاید، آسیب های فراوانی می تواند به بار آورد . اینک که چهارچوب و طرح مورد وفاق در برابر آن ها وجود ندارد، در ذهنیت و هویت آدمی و نسل امروز بحران های جدی به ارمغان آورده است .

5- خانواده

تغییرات اجتماعی و اقتصادی تحولاتی را در نگرش به خانواده و زن پدید آورده است که گرچه دستاوردهای خوبی را نتیجه داده است، اما از سوی دیگر کانون خانواده را که جایگاه انسان سازی و عاطفه پروری است، بسی لرزان و نابه سامان ساخته است، و این حقیقت، در بحران هویت نسلی که در این بستر رشد می یابد تاثیری به سزا می گذارد، نسلی که در خانواده ای اصیل و پر مهر و عاطفه پرورش یابد از احساس هویت مثبت و شخصیت متعالی برخوردار خواهد بود و چنان چه افرادی بی ریشه در خانواده ای استوار پرورش یابند، بی تردید از هویتی بحران زده مصون نخواهند بود .

ادیان الهی و دین اسلام بر اصالت و صیانت خانواده تاکید می دارند و هماهنگ سازی زندگی مدرن با معیارهای استحکام و اصالت خانواده نیازمند کوشش های عملی جدید و توافق های بین المللی است .

بحران های منطقه ای در کشورهای جنوب

بیشتر آنچه بر شمرده شد به گونه ای در کشورهای در حال توسعه نیز مشاهده می شود که در این جا به برخی از آن ها که برجسته ترین است و پاره ای از بحران های ویژه آنان اشاره می کنیم . جوانان در میان ملل جنوب بر سر دو راهی سنت و تجدد، جهانی شدن و ملی ماندن، پذیرش معیارهای عمومی جهانی و معیارهای خاص فرهنگی خود، هضم در فرهنگ دیگران شدن و صیانت از اصالت های ملی، ایستاده اند و این همه در درون آنان آتشی برافروخته و بحرانی در افکنده است . همه چالش های بزرگ در خصوص خانواده، شهرنشینی، سیطره جهانی سازی، و مانند آن دامن این نسل را نیز فراگرفته است با آن که از بسیاری از امتیازهای زندگی جدید بی بهره یا کم بهره اند، و این امر بر سر در گمی و بحران هویت آنان می افزاید .

در کشورهای جنوب و در حال توسعه به خصوص جوانان از لحاظ معیشت، شغل، منزلت، جایگاه، انتخاب وضعیت و امید به آینده، با دشواری ها گوناگون مواجه اند که هر یک روح آنان را می آزارد و بحران هویت می آفریند .

در کشورهای اسلامی چالش میان ملیت و اسلامیت و ابهام های موجود در مرزبندی های حلال و حرام دینی نیز از عوامل بحران را به شمار می آید . نگاهی به حجم وسیع مقالات و تحقیقات و نیز جنبش ها و چالش های اجتماعی در کشورهای اسلامی از جمله ایران در این باره نشان دهنده جایگاه و اهمیت این موضوع است . علاوه بر این، گسست نسل ها، و تعدد منابع هویت بخش و ناهماهنگی و ناسازگاری آن ها نیز باید در بحران هویت در این گونه کشورها مورد توجه قرار گیرد .

دین و هویت

پرسشی که در این باره فراوری دانشمندان دینی قرار دارد چگونگی موضع دین در برابر «هویت» است؟ با مراجعه به متون دینی می توان اصول زیر را در این باره به دست آورد .

دین علی الاصول در باب اجزاء و عناصر هویت در طیف وسیع آن موضع تایید و پذیرش دارد . منابع دینی پاره ای از هویت های فردی، صنفی، گروهی، خانوادگی، ملی، تمدنی، اجتماعی، فرهنگی و مانند این ها را هیچ گاه نفی نکرده و نخواسته است که از روان آدمی زدوده شود، بلکه برخی از آن ها مورد تاکید هم قرار گرفته است .

با این اوصاف، دین بر شکوفاسازی و مزیت بخشی و ارجحیت گذاری هویت فطری، معنوی و اخلاقی اصرار ورزیده است . ادیان این توصیه را برای بشر به ارمغان آورده اند که متعالی ترین عنصر هویت و شخصیت عبارت است از سرشت معنوی آدمی، و آن را در مقایسه با سایر اجزای هویت باید بر صدد نشاند .

علاوه بر آن ها، دین بر تنظیم، متعادل سازی و اصلاح دیگر عناصر در احساس هویت و بازسازی از افراط در احساس هویت صنفی، گروهی، خانوادگی، ملی، نژادی و مانند آن تاکید تام می ورزد و همواره متذکر آدمی می شود تا از دام افراط و تعصب های جاهلانه نژادی، ملی و همانند آن بپرهیزد .

دین و بحران هویت

پرسش دیگر در این باره این است: موضع و نقش دین در قبال انواع بحران های برشمرده شده چیست؟ با قطع نظر از رویکردهای افراطی و تفریطی در کارکرد دین، به اجمال می توان نقش ها و کارکردهای مثبت دین را در حل بحران های هویت به شکل زیر صورت بندی کرد:

1- پاسخ گویی و حل مشکل

نخستین کارکرد دین حل بحران از طریق حل ریشه ای آن و پاسخ گویی به پرسش و مشکل است . این کارکرد در قلمرو همه بحران ها جاری نیست، بلکه برخی از مهم ترین بحران های هویت در زمینه های عام انسانی در قلمرو این صورت قرار می گیرند . حل بحران معنی داری زندگی یا مرگ و بقا مستقیم در حوزه رسالت دین قرار دارد و از دین انتظار می رود آن را پاسخ گوید . همین طور درجه بندی و تبیین نظام اولویت ها در زندگی و فعال سازی عناصر برجسته هویت بیشتر در ساحت دین قرار می گیرد .

2- ترغیبیت به بهره گیری از اندیشه و تجربه بشری

در بسیاری از مشکلات انسانی و بحران های هویتی دین با قواعد کلی و عمومی به بهره بردن از عقل و اندیشه و معرفت و تجربه بشری توصیه می کند و یافتن راه کارهای عملی را به آدمی واگذار می کند . چگونگی حل بحران خانواده یا آینده زندگی یا گسست نسل ها و مانند آن اموری است که به عقلانیت آدمی سپرده شده است . البته ایمان و اخلاق معنوی پشتوانه مهمی در این راستا خواهد بود . همان طور که رعایت اصول و قواعد کلی مورد تاکید دین باید مورد توجه باشد .

3- جایگزین سازی و مقاومت بخشی

کارکرد دیگری که از دین متوقع است و فی الواقع این نقش را دین در تاریخ و تجربه خود به نمایش گذارده است، مقاومت بخشی است . هنگامی که بحرانی و تعارضی در آدمی وجود دارد و پاسخ گویی به نیازی یا حل مشکلی امکان ندارد، ایمان دینی و مفاهیم وابسته به آن می تواند جلوی فرسودگی و اشتداد بحران و واماندگی فرد را بگیرد و به او اراده و دلیری و استواری ببخشد که بحران هویت در او فروکش کند . مفاهیم دینی مانند صبر، توکل، رضا و . . . نشان دهنده این محور مهم در سلامت روانی و مهار بحران های روحی است . مقاومت یابی در روان آدمی دارای ساز و کارهایی است و یکی از آن ها جایگزین سازی است . آدمی هر گاه در یکی از ابعاد و ساحت ها احساس شکست و ناکامی بکند، می کوشد در بعدی دیگر آن را جبران کند و امر دیگری را جایگزین سازد، در آموزه های ادیان نیز از این ساز و کار استفاده، و بر انگیزه های متعالی ایمانی و موفقیت های معنوی به عنوان جایگزین درد و رنج های غیر قابل چاره، تاکید شده است . در پایان بر این نکته باید تاکید کرد که راز سعادت انسان و رهایی نسل پراضطراب امروز از بحران ها در گرو بازگشت دوباره به دین، اخلاق، معنویت، تفاهم و همدلی است .

پی نوشت ها :

1. Identity

2. personulity

3. Crisis